



موسیقی مقامی و فرهنگ اقوام در استان خراسان

محسن میری

گروه مدیریت بازرگانی، موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر، مشهد، ایران

قاسم انوری

عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر

چکیده

موسیقی مقامی خراسان به عنوان یکی از بارزترین سبک‌های موسیقی در ایران ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و قومیت‌های مختلف منطقه خراسان دارد که با توجه به قدمت دیرینه و تحولات پر فراز و نشیب این منطقه، فرهنگ و تمدن مردمان خراسان نیز تحت تاثیر تغییرات قرار گرفته است. این مقاله که از نوع توصیفی است درصدد است تا تاثیر موسیقی مقامی را بر هویت فرهنگی و قومیتی خراسان بررسی کند. خراسان با ویژگی‌های منحصر به فرد نمایانگر هویت فرهنگی و قومیتی در این منطقه است. با توجه به گستردگی و پراکندگی قومیت‌های مختلف در خراسان بزرگ، موسیقی فولکلور در این منطقه با تاثیرپذیری از فرهنگ‌های متفاوت دارای الگوهای موسیقایی خاصی برای هر مقام است که اصطلاحات و تنوع ریتمی در این سبک موسیقی با توجه به تنوع فرهنگی و قومیتی، تغییراتی را تجربه کرده است. به همین دلیل موسیقی مقامی خراسان به عنوان یکی از مهمترین عناصر فرهنگی و تمدنی نقش بسزایی در شکل‌گیری و ارتقای هویت فرهنگی و قومیتی خراسان را دارد.

واژگان کلیدی: موسیقی مقامی، موسیقی خراسان، موسیقی فولکلور، فرهنگ خراسان، اقوام خراسان

مقدمه

فرهنگ و قومیت یکی از موضوعات مهم و کاربردی در مطالعات اجتماعی و فرهنگی است که به واسطه تأثیر عمیقی که بر زندگی انسان دارد، همواره مورد توجه پژوهشگران در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی بوده است. قومیت‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ و هویت اجتماعی افراد ایفا می‌کنند، از این رو بررسی ارتباط بین فرهنگ و قومیت می‌تواند در درک چگونگی پیوند این دو عامل موثر باشد و به این سوال که چگونه موسیقی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگی، نقش مهمی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی افراد دارد پاسخ دهد. خراسان یکی از مناطق فرهنگی و تاریخی مهم ایران به حساب می‌آید که دارای تنوع قومیتی بسیاری است. این منطقه به عنوان محل سکونت انواع قومیت‌ها از جمله فارس‌ها، کردها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، تاجیک‌ها، بلوچ‌ها، حیدری‌ها، عرب‌ها، بختیاری‌ها و هزاره‌ها شناخته می‌شود. هر یک از این قومیت‌ها دارای فرهنگ و موسیقی خاص خود هستند که نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی افراد این منطقه دارند. در این میان موسیقی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگی، نقش مهمی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی افراد دارد. موسیقی خراسان نیز بر اساس قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی که در این منطقه وجود دارد، تنوع بسیاری در خود جای داده، از موسیقی ترکمنی و بلوچی گرفته تا موسیقی فارسی و تاجیکی، هر یک از این سبک‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که نمایانگر فرهنگ و قومیت مردمان آن نواحی می‌باشند. موسیقی به عنوان یک زبان بی‌کلام، می‌تواند احساسات و ارزش‌های فرهنگی و قومیتی را بهتر از هر زبان دیگری انتقال دهد و از این رو، نقش موسیقی در حفظ و تقویت هویت فرهنگی و قومیتی افراد بسیار مهم است.

در نتیجه، این واقعیت که نقش ارتباط بین فرهنگ و قومیت‌ها و همچنین موسیقی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی مردم خراسان غیر قابل انکار است و اثبات‌کننده پیوند عمیق بین فرهنگ مردم یک جامعه با قومیت آن است چنانکه شاهد هستیم در میان اقوام مختلف، آداب و رسوم و حتی موسیقی متفاوتی رواج دارد که گویای فرهنگ متفاوت آن است و همین تفاوت افزونگر زیبایی و جذابیت موسیقی نواحی در خراسان گردیده است. از این رو، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر درک کنیم چگونه موسیقی و فرهنگ و قومیت‌ها در کنار یکدیگر شکل می‌گیرند و چگونه می‌توانند به حفظ و تقویت هویت فرهنگی و قومیتی افراد کمک کنند.

موسیقی مقامی خراسان

الف - موسیقی خراسان

از گذشته‌ای دور خراسان مهد فرهنگ و تمدن بوده و تاریخ نشان می‌دهد که مردمان خراسان در حفظ آئینهای مختلف این سرزمین با موسیقی الفتی دیرینه و ارتباطی عمیق داشته‌اند. در طول تاریخ موسیقی خراسان، فرهنگ یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در پایداری و انتقال تمدن انسانی بوده و در تمدن این منطقه نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. خراسان به واسطه وسعت جغرافیایی و تنوع پراکندگی دارای خرده فرهنگها، باورها و نگرشها و در نهایت موسیقی متفاوتی است و به واسطه وسعت



خاک و تنوع گونه گستردگی آب و هوا و شرایط، اقلیمی توانایی و استعداد انواع شیوه معیشتی رادار است و از این رو علاوه بر بومیان منطقه قبایل و طوایف متعددی با تنوع نژاد از عربهای سامی تا هزاره و بلوچ و نژادهای کرد و کرمانج و ترک و ترکمن و در این قسمت از سرزمین ایران به چشم میخورد به همین دلیل این پهنه متنوع بوده و یکی از غنی ترین گنجینه های فرهنگی موسیقی است که برخلاف بیشتر مناطق ایران از نوع خاصی برخوردار نیست و در نواحی مختلف خراسان موسیقی های متفاوتی وجود دارد.

سرزمین پهناور و تاریخی خراسان را میتوان به ۳ ناحیه شمال، شرق و جنوب از یکدیگر تفکیک کرد نواحی فوق از نظر اقلیم، زبان گویش موسیقی و آداب و رسوم تا حد زیادی با هم متفاوت اند. موسیقی و فرهنگ دو ناحیه شرق و جنوب ارتباط بیشتری با هم دارند ولی فرهنگ و موسیقی شمال خراسان در مقایسه با دو منطقه شرق و جنوب اختلاف بیشتری دارد کانون اصلی موسیقی شمال خراسان شامل شهرهای قوچان شیروان و بجنورد میشود کانون اصلی موسیقی شرق خراسان منطقه تربت جام و ناحیه جنوب شامل شهرستان بردسکن، کاشمر و بیرجند میشود. شهرهای شمال خراسان بیشتر در برگرفته فرهنگهای ترکی و کردی کرمانجی است. سکونت ترک زبانان در شمال خراسان قدمت بیشتری دارد و کردهای کرمانج در چند مرحله که آغاز آن دوران صفوی است به این منطقه کوچانده شده اند. موسیقی شمال خراسان از تأثیرات موسیقی ترکمنی تا حدی بهره مند شد و موسیقی ترکمنی نیز به ویژه در نواحی مجاور خراسان از تأثیرات موسیقی کردی بی بهره نماند. ساز بادی قشمه از نواحی کردنشین شمال خراسان به برخی از مناطق ترکمن صحرا انتقال یافت و شیوه های اجرایی موسیقی ترکمنی در نینوازی و تا حدی تکنیکهای اجرایی دوتار و داستانها و اشعار مشترک در میان بخشهای شمال خراسان بویژه بخشهای ترک زبان و بخشهای ترکمن صحرا بسیار مشهود است به هر حال موسیقی شمال خراسان در شکل، غالب موسیقی ترکی و کردی کرمانجی است. در این میان شهرهایی مانند درگز که مسکن تعداد قابل توجهی از ترکمنها بوده و نواحی راز و جرگلان که اساساً ترکمن نشیناند نیز حاوی نوع سومی از موسیقی شمال خراسان یعنی موسیقی ترکمنی است.

آهنگها و تأثیر نزاعها و درگیریهای اقوام ترکمن و کرد شمال خراسان در ترانه های این ناحیه نیز تأثیرات خودش را گذاشته است به گونه ای که هر یک از این دو قوم همدیگر را به غارت و چپاول متهم کرده و در اشعار آهنگین خود نیز به آن اشاره کرده اند. از منظر تنوع فرهنگی اگر به خراسان بویژه در منطقه شمال خراسان نگاه کنیم بایستی اذعان کنیم که مهاجرت اقوام به این منطقه نه تنها موجب از هم گسیختگی فرهنگی نشده بلکه سبب تنوع موسیقی و وحدت فرهنگهای اقوام، کرد، ترک ترکمن و فارس نیز شده است این تنوع سبب بروز و پیدایش موسیقی، زیبا دلنشین و بسیار متنوع و رنگارنگ در این منطقه شده است که در مجموع آن را متمایز و مشخص در بین موسیقی دیگر نقاط ایران کرده. است نمونه هایی در بین موسیقی و سازهای اقوام ایرانی مستقر در خراسان میتوان پیدا کرد که در زمره مشترکات موسیقایی با اقوام مستقر در کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان افغانستان و حتی آذربایجان میباشد. این مشترکات اثبات کننده این واقعیت هستند که موسیقی به سبب مهمترین عنصر تشکیل دهنده فرهنگهای سنتی و قومی در مرزهای فرهنگی معنا و مفهوم پیدا میکنند و مرزهای آسیایی کنونی سبب جدایی و تفکیک موسیقی اقوام ایرانی مستقر در کشور ما و کشورهای برون مرزی نمی. گردد موسیقی شاخص ترین عنصر فرهنگی است که سبب وفاق اجتماعی و وحدت بین اقوام ایرانی شده است.

موسیقی کردی شمال خراسان مستقل تر است ولی موسیقی ترک زبانان این منطقه به سبب ارتباط زبانی و لهجه ای در برخی از مقامها داستانها شعرها و تکنیکهای اجرایی، دوتار با موسیقی ترکمنی قابل مقایسه است. تنوع روایت های موسیقی در شمال خراسان بسیار چشم گیر تر است.

بطور کلی موسیقی کردی خراسان که سراسر شمال خراسان یعنی از سرخس تا شمال گنبد کاووس از مشرق به مغرب و از باجگیران و درگز تا نیشابور و سبزوار شمال به جنوب را در برمی گیرد از اصالت و ویژگیهای خاصی برخوردار است. موسیقی کردی شمال خراسان دارای جنبه های، دینی، رزمی، بزمی و سوگی است که هر یک از این چهار جنبه نیز به مقامها، آهنگها و شاخه های متعددی تقسیم میشود. بیشترین اشعار و آهنگهای کردی را شاعرانی مثل ابن غریب، جعفرقلی، هلوخان تیرگانی و عید محمد زنید نیلو درگزی سروده اند. موسیقی کردی خراسان شامل مقامها و آهنگ ها است. مقام گاهی شامل یک آهنگ میشود مانند مقام یا آهنگ طرقة ولی گاهی مقام شامل چند آهنگ میشود یعنی چند آهنگ در یک مایه و مقام می آید مانند مقام هرای که چند آهنگ را در بر می گیرد. آهنگ گاه مستقل است و گاه به چند شاخه تقسیم میشود.

نحوه معیشتی زندگی مردم کوهستان و لطافت چشمه های جوشان دلدادگیها، عارفانه ها، مرزداري ها، اسارتها و سوگ ناشی از دست دادن عزیزانشان در دفاع از کشور موجب آن شده که موسیقی در این ناحیه پشتوانه ای از عشق و حماسه و عرفان و سوگ داشته باشد که در قالب آئینهای مختلف و متفاوت از گستردگی و تنوع بیشتری هم برخوردار است. موسیقی شمال خراسان از یک سوز و گداز پرفراز و نشیب حکایت میکند و نمود عینی آن را میتوان در آوازاها مقامهای سازی، رقصها و بازیهای آئینی سنتی که در نوع خود شگفت انگیز بوده ملاحظه کرد و شاید این گونه ویژگی منحصر به این خطه نظر پژوهشگران و موسیقی شناسان و مقام شناسان جهان را به خود جلب کرده است.

بطور کلی موسیقی شمال خراسان به گونه های مختلف کردی، کردی کرمانجی، ترکی و ترکمنی روایت میشود. موسیقی ترکهای ساکن در منطقه درگز، به شدت تحت تأثیر موسیقی شمال خراسان بوده حال آن که ترکمنهای منطقه شمال بجنورد، تأثیرات کمتری از موسیقی این خطه داشته اند که تا حدودی هم بر شیوه نوازندگی برخی از نوازندگان دوتار منطقه تأثیر گذاشته اند شایان ذکر است نوازندگانی که زندگی دوره گردی داشته اند و سفرهایی به میان اقوام ترکمن داشته اند نوازندگی آن ها خواسته یا ناخواسته رنگ و بویی از موسیقی ترکمن به خود گرفته است که این تأثیر را در منطقه گلپایه شیروان و بعضی از نوازندگان قدیمی بجنورد به وضوح می توان دید در هر حال حضور اقوام مختلف ایرانی در این منطقه تنوع خاصی به موسیقی آن داده است و در طول تاریخ فرهنگ و هنر و موسیقی این منطقه در شکل گیری تمدن خراسان نقش بسزایی داشته است. حضور نوازندگان دوتار با اعتقادات برگرفته از عشق و معرفت بالا موجب آن شده که ساز را وسیله ای برای نیایش و پالایش روح انسانی بدانند و عاشقانه ها و عارفانه هایشان تلاشی برای تعالی انسان است.

ب - مقام در موسیقی خراسان

مقام های دوتار این ناحیه بصورت باکلام و بیکلام دیده میشود و این گونه مقامها چنان کارشناسانه و حکیمانه طراحی و ساخته شده اند که با شاخص ترین آثار موسیقی برابری میکنند. مقامهای دوتار مجموعه ای از اصوات زیبا هستند که با نگاهی حکیمانه، درکنار هم به وحدت رسیده اند و شأن و منزلتی پیدا کرده و در باور مردم جایگاهی خوش یافته اند. شادروان حاج قربان سلیمانی همیشه خاطرنشان میساخت که «مقام» در موسیقی دوتار شمال خراسان نقش تنه درخت را برای شاخ و برگ موسیقی ما ایفا می. کند بنابراین، باور در قدیم مقام نواز یا مقامی، نواز از منزلت و جایگاهی والا برخوردار بوده و مورد احترام عموم مردم بوده است این باور مردمی که ریشه در تاریخ و پیشینه فرهنگی این مرز و بوم، دارد هنوز هم بالاترین مرتبه هنرمندی را در بین طیفهای مختلف هنرمندان موسیقی در سازهای مختلف از آن «بخشیها» میداند.

اهمیت این مرتبه و مقام به حدی است که به هر نوازنده دوتار یا خواننده‌ای بخشی نمی گویند. بخشی ها میراث داران واقعی فرهنگ شفاهی قوم خود هستند.

در ایران امروز برای توصیف موسیقی حرفهای نواحی مثل موسیقی بخشیها و عاشقهای خراسان از اصطلاح موسیقی مقامی استفاده میشود. این اصطلاح با عنوان « مقام » در موسیقیهای عربی و ترکی متفاوت است در بین اهل موسیقی خراسان مفهوم «مقام» بسیار گسترده و با اعتبار و منزلت هست و شباهت به اصطلاح دستگاه در موسیقی ردیف دستگاهی ملی ما دارد واژه مقام را رامشگران خراسان به جای واژه آهنگ که در موسیقی شهری ما رواج دارد به حساب میآورند واژه مقام و موسیقی مقامی در عین جداسازی این نوع موسیقی از سایر موسیقی های محلی و فولکلوریک منطقه و حتی دیگر نقاط ایران از شأن رتبه و منزلت موسیقایی و هنری ویژه‌ای برخوردار، است از این رو تمام نوازندگان مناطق مختلف خراسان موسیقی مقامی را اجرا نمیکنند و در حوزه مجریان موسیقی مقامی خراسان جای نمی گیرند. معمولاً اجرای یک مقام همیشه یکسان نیست برخی از اجراها کوتاه و برخی دیگر بلند هستند برخی ساده و برخی دیگر گسترده اند استادی یک بخشی حال و هوای او هنگام اجرا سبک، اجرا زمینه عینی، اجرا ترکیب شنوندگان و محل اجرا همه بر شیوه اجرای مقام اثر میگذارند میتوان گفت که هر اجرایی کاری است منحصر به. فرد اجراهای گوناگون از یک مقام میتوانند به هم بسیار نزدیک یا بسیار دور باشند به هر حال در هر یک از این اجراها عناصر اساسی مشخص کننده مقام را باز مییابیم.

نام برخی از مقامها از تاریخ خراسان برگرفته شده‌اند مانند گرایی که نام ایلی است ترک زبان که حدود هشتصد سال پیش در خراسان جای گیر شده است. بخشیهای کرد خراسان به این مقام هرای به معنای فریاد مینامند. عناوین برخی دیگر از مقامها از نام شخصیت‌های شناخته شده‌ای مانند شاه ختایی و نوایی یا از نام قهرمانان شعرها مانند کوراوغلو و جبار برگرفته شده‌اند. شاه ختایی نام مستعار شاه اسماعیل صفوی بنیان‌گذار سلسله صفوی است. نوایی نیز شاید برگرفته از نام امیرعلی شیر نوایی است که او را پدر شعر جغتایی میدانند. برخی از مقامها نیز عنوانی ندارند و بخشی درباره آن‌ها مثلاً میگوید که این آهنگ را باید در این قسمت از داستان خواند. بخشی میتواند با یک مقام که از آن برای خواندن داستانی به ترکی میکند شعرهایی را به زبانهای کردی و فارسی سازگار کند به شرطی که وزن شعر و وزن موسیقی هماهنگ باشند در واقع این بخشی است که مقام مناسب شعر را انتخاب می. کند در این خصوص حاج قربان سلیمانی میگفت رامشگر صدها در اختیار دارد بنا به طبع شنوندگان و شعرهای برگزیده میتواند آهنگهای، شاد، سوزناک، رزمی یا حزن‌آور انتخاب. کند در داستانها بیشتر از آهنگهای حزن‌آور استفاده می. کنیم زیرا این داستانها بازگویند عشقهای دلدادگان از هم دور افتاده‌اند به گفته بخشی روشن گل افروز انتخاب هر مقام بسته به حال و هوای قهرمان در مراحل گوناگون داستان است.

در اجراهای سنتی و اصیل بخشیهای معتبر معمولاً هر مقامی با یک درآمدسازی آغاز میشود سپس یک قطعه شعر خوانده می. شود بین هر قطعه شعر یک قطعه‌سازی نواخته می. شود مقام سرانجام با یک قطعه‌سازی به پایان میرسد برخی از بخشی‌ها هنگامی که آواز را شروع میکنند از نواختن ساز می‌ایستند. برخی دیگر آوازشان را با ساز همراه میکنند. هرچند سنت موسیقایی بخشیها به صورت شفاهی از پدر به فرزند و از استاد به شاگرد منتقل میشود ولی هر بخشی مهر شخصیت خود را بر اجرای هر مقامی میزند البته در ساز دوتار که ساز اصلی بخشیها است به سبب مشخص بودن جای پردههای ساز میتوان در عمل حد و مرز هر مقام را تعیین کرد در هر صورت مقامهای موسیقی بخشیها از لحاظ ساختار به هم شباهت دارند و از یک فرم واحدی پیروی میکنند.

مناطق حوزه شمال خراسان



شمال خراسان که در برگیرنده شهرهای قوچان، شیروان، بجنورد، درگز، اسفراین، آسخانه، گرمه و جاجرم است از جمله مناطقی است که موسیقی در آن از انواع و اقسام مختلف حضوری قابل تأمل دارد بخش عمده‌ای از ساکنین شمال خراسان را مهاجرین کرد و ترک تشکیل میدهند. قسمتی از موسیقی شمال خراسان موسیقی کوهپایه است مثل کوهپایه‌های هزار مسجد، الله اکبر، دامنه‌های اترک و منطقه لائین. موسیقی کوهپایه توأم با فریاد است و در مقایسه با موسیقی جلگه، قوی‌تر رساتر و گاه تندتر است. درکنار موسیقی کوهپایه موسیقی جلگه و دشت وجود دارد مثل جلگه قوچان، موسیقی جلگه معمولاً ملایم‌تر و درونی‌تر است اگر از پایین و مرکز نزدیک شویم به جلگه نیشابور و سبزوار میرسیم که تقریباً حاشیه کویرند و موسیقیشان نیز ملایم‌تر شده از نرمش بیشتری برخوردار است.

موسیقی عرفانی در منطقه لائین بین کلات و درگز و نیز دامنه‌های هزار مسجد عرفان قوی‌تر است. جعفرقلی، هروخان تیرگانی و هی محمد درگزی از عارفان و شاعران بزرگ این منطقه بوده‌اند و ابن غریب از شاعران دوره قبل از قاجار است که دارای اشعار عرفانی هستند. شاعران و عارفان این منطقه گاه زبانه‌های، فارسی، کردی، ترکی و عربی را برای انتقال مقاصد و احساسات خویش به کار می‌گرفتند. جعفرقلی شاید آخرین عارف و شاعر کرد شمال خراسان است که هنوز اشعاری هم سنگ شعرهای او سروده نشده است تعداد ۱۱ آهنگ به جعفرقلی منسوب است که خود جعفرقلی اصل آن‌ها را از کسان دیگری دریافت کرده اما به شیوه خود درآورده است. از آن جا که کردهای شمال خراسان همواره مرزبانان غیور ایران زمین بوده‌اند پاسداری از مرز و بوم در مقابل اقوام مهاجم، کشتارها، غارتها، اسارتها و آوارگی از ویژگیهای این گونه زندگی بوده است و این ویژگیها، تأثیر مستقیمی بر موسیقی این خطه گذاشته است.

موسیقی کردی شمال خراسان را موسیقی «کرمانجی» مینامند. کرمانج‌های شمالی شامل کردهای خراسان، آذربایجان غربی، ترکیه، شمال عراق و سوریه است و کرمانج‌های جنوبی را کردهای جنوب دریچه ارومیه، مهاباد، کردستان، کرمانشاه و سلیمانیه عراق تشکیل میدهند این دو تیره از نظر گویش با هم متفاوتند تفاوت میان کرمانج شمالی و جنوبی در عرصه موسیقی نیز مشهود است برای مثال میتوان به مقام لو اشاره کرد که از اصیل‌ترین و باستانی‌ترین نغمه‌های ایرانی است و به نوعی وجه تمایز کرمانج شمالی و جنوبی است بدین معنی کسی که بتواند لو بخواند، از کرمانج‌های شمالی است. امروزه موسیقی کرمانج شمالی همچنین در جمهوری ترکمنستان و در سرزمینی که روزگاری به خوارزم معروف بود و تا قبل از قراردادهای سال ۱۲۹۹ بخشی از ایران زمین محسوب میشد نیز وجود دارد در دوران صفویه، شاهان این سلسله بخشی از کردها را در خوارزم مستقر نمودند.

شعر کردی اغلب به صورت هجایی است که تعداد هجاها میتواند از ۸ تا ۱۶ باشد. ترانه‌های عاشقانه بیشتر در قالبهای ۸ هجایی اجرا میشود و مقام لو اغلب در برگیرنده قالبهای ۱۱ تا ۱۶ هجایی است. شمال خراسان در واقع خاستگاه بخشیها و عاشقها است سرزمین گونه‌های متفاوت فرهنگی و زبانی است شمال شرقی ایران را باید سکونتگاه اقوامی چون، کرمانج، ترک ترکمن تات و... دانست که همزیستی طولانی در جوار هم موجب پدید آمدن ریشه‌های فرهنگی مشترکی گردیده است موسیقی مقامی یکی از عناصر بارز این اشتراک فرهنگی است.

موسیقی شمال خراسان در سه گونه، کرمانجی، ترکی و ترکمنی معرفی می‌گردد موسیقی کردی شمال خراسان مستقل‌تر است ولی موسیقی ترک زبانان این منطقه به علت ارتباطهای زبانی و لهجه‌ای در برخی مقامها داستانها شعرها و تکنیکهای اجرایی دوتار با موسیقی ترکمنی قابل قیاس است به هرصورت روایت موسیقی ترک زبانان نیز هویت مستقل خود را دارد تنوع



موسیقی در شمال خراسان چشمگیر است. ساز دوتار یکی از شاخص‌ترین ابزار موسیقی در منطقه شمال خراسان است که زبان موسیقیایی مشترک این سه قوم می‌باشد.

نوازندگان شمال خراسان

نوازندگان شمال خراسان را می‌توان به سه گروه اصلی بخشیه‌ها، عاشق‌ها و و لوطی‌ها نامگذاری کرد.

بخشی‌ها

بخشی‌ها شاخص‌ترین و اصیل‌ترین مجریان موسیقی در شمال خراسان هستند بنابر روایت شفاهی بخشی برگرفته از واژه «بخش» به معنای لطیف، عنایت و موهبت است. موهبتی که خداوند به شخص هنرمند عطا کرده است. در اصطلاح محلی این عنوان به نوازندگان دوتار گفته می‌شود. بخشی باید بتواند آواز بخواند دوتار بنوازد شعر بسراید داستان بگوید و ساز خود را نیز بسازد. بدین ترتیب هر نوازنده دوتار بخشی نیست و جدای از تسلط بر ساز، شخص باید از نظر دانش، معرفت و شرایط درونی نیز به مرحله‌ای برسد که عنوان بخشی زینده نام او باشد. بخشی‌گری و دوتارنوازی در میان اقوام کرمانج، ترک و ترکمن عموماً موروثی است و ساز دوتار به همراه قصه‌ها و داستانهایش از پدر به پسر واگذار می‌شود.

بخشی‌ها داستانها و آوازشان را به فراخور مجلسی که دعوت می‌شوند انتخاب می‌کنند بخشیه‌های قدیمی علاوه بر این که وظیفه مجلس‌گردانی را به عهده داشتند در کارهایی چون عقدکنان، طبابت سنتی و... نیز سر رشته داشته‌اند بخشی‌ها عموماً به زبانهای رایج منطقه خود فارسی، ترکی و کردی اشراف دارند و فقط بخشی‌های ترکمن هستند که جز زبان ترکمنی به گویش و زبان دیگری نمی‌خوانند. داستانهایی که بخشیه‌های شمال خراسان به ویژه بخشیه‌های ترک زبان می‌گفتند همان داستانهای مورد علاقه تمام اقوام ترک است. شاه اسماعیل، زهره و طاهر، ابراهیم ادهم، اصلی و کرم کوراغلو، غریب و شاه صنم و دهها داستان دیگر در میان بخشیه‌های ترک زبان بخشیه‌های ترکمن و عاشیق‌های آذربایجان و عاشق‌های قشقایی مشترک است. بخشی‌ها که بار فرهنگی مردمان خویش را به دوش میکشند به گونه‌های متفاوت دیده شده‌اند عده‌ای فقط نوازندگی میکنند و آواز نمی‌خوانند و عده‌ای فقط اشعار و آهنگهایی را که به طور موروثی به آنها رسیده است بازخوانی میکنند و برخی از بخشیه‌ها هم خلاق و مبدع هستند آن‌ها بر اساس باورها و برداشتهای خود از پدیده‌های اجتماعی و تاریخی اشعاری می‌سرایند و می‌خوانند که سروده هایشان زبان راستین و گویای بخش مهمی از تاریخ میشود که دهان به دهان می‌چرخد و در یادها میماند. بسیاری از آهنگها مثل سردار عیوض خان، جبّار، خجی لوره، زارنجی و... از این دست هستند که کسی از سراینده و سازنده آهنگ آن‌ها اطلاع دقیقی در دست ندارد. از سراینندگان محبوب دو قوم یاد شده می‌باشد که همواره آثار ایشان برای بخشیه‌های شمال خراسان الهام بخش بوده است و کمتر بخشی پیدا میشود که از روایتها و اشعار این شاعران برجسته استفاده نکرده باشد.

شمال خراسان بخشیه‌های برجسته‌ای به خود دیده است و با اینکه سالها در خاک آرمیده‌اند ولی نام و خاطره و هنرشان هنوز زبانزد محافل خاص و عام است. بخشی‌هایی چون حمرا گل افروز، سلطان رضا ولی نژاد، محمد جوزانی، محمد حسین یگانه، حسن یزدانی، مختار زنبیل باف، خان محمد بخشی قیطاقی، رحیم خان بخشی، عباسقلی رنجبر، احمدقلی احمدی شهرکهنه، پرویز دردی، حاج قربان سلیمانی، قربان مراد کریمی، الله وردی نوروزی، خوجه محمد کلک و... در میان بازماندگان خوش نفس میتوان از علی آلمه جوقی، آی محمد یوسفی، محمد یگانه، سهراب محمدی، عیسی قلی پور، روشن گل افروز، حسین ولی نژاد، محمود بهرامی، آنه مراد رستگاری، قربان آهنگران و دردی بهادری و خیلی از جوانانی که عاشقانه راه آنان را می‌روند نام برد.

همانطور که گفته شد هر نوازنده دوتاری بخشی نیست و جدای از تسلط بر ساز، باید از نظر دانش و شرایط درونی به مرحله‌ای برسد که عنوان بخشی را زینده خودگرداند البته در این زمینه هم استثناهایی دیده شده است. برای مثال رحیم خان بخشی گرچه دارای صدایی نارسا بوده اما به خاطر چیرگی بسیار در نواختن ساز و دانشوری، از طرف مردم بعنوان بخشی معروف بوده است رحیم خان بخشی در نقل داستانها به جای آواز از بیان محاوره‌ای استفاده مینمود انتخاب آهنگ و شعر از طرف بخشی بستگی به تشخیص او از موقعیت مجلس داشت. بخشیها معمولاً در عروسیها و بطور کلی در مجلس های شادی می‌نواختند. در گذشته هر خان در شمال خراسان بخشی مخصوص به خود داشته است. یکی از هنرهای بخشی داستان سرایی همراه با نواختن دوتار بوده و در نقل داستان از آواز، دکلمه و بیان محاوره‌ای و نقلی استفاده می‌کردند. همانطور که گفته شد عنوان بخشی در سراسر شمال خراسان و منطقه ترکمن صحرا یک مرتبه و منزلتی عالی است که به هر نوازنده‌ای داده نمیشود. بخشی‌گری شرایطی هنری و اخلاقی را شامل میشود که ارتباط با سن و جنس فرد ندارد. به عنوان مثال میتوان از خیر النساء بخشی نام برد که زنی شایسته لقب بخشی بوده و در صده گذشته در شمال خراسان زندگی میکرده است. بر اساس نظرات پژوهشگران صاحب عنوان موسیقی شمال خراسان تا حدود نیم قرن گذشته بخشیها معمولاً در حوزه های زیر فعالیت داشته‌اند: منظومه خوانی، شاهد خوانی، مذهبی خوانی، درمان گری، مجلسی و... البته در حال حاضر از میان تمام انواع یاد شده بخشیها صرفاً در مجالس شادی نوازندگی میکنند همچنین برخی از وظایف بخشیهای قدیم را نیز انجام میدهند این جمله این وظایف، منظومه خوانی

وظیفه اجرای روایت‌های موسیقایی از منظومه‌های حماسی، تاریخی، مذهبی و تغزلی شناخته شده و مورد علاقه مردم مثل منظومه‌های شاه بهرام اصلی و کرم سیف الملک و بدیع الجمال را داشته اند.

منظومه خوانی حوادث

بخشیهایی بوده اند که علاوه بر منظومه خوانی براساس حوادثی که در زمان زندگی بخشیها اتفاق می‌افتاد داستانهایی را به صورت شعر می‌سرودند و با دوتار اجرا می‌کردند مثل زلزله طبس در منظومه‌های بخشیهای خراسان.

مذهبی خوانی

بخشیهایی بوده‌اند که در وصف صفات ائمه اشعاری را همراه با موسیقی اجرا میکردند این بخشیها اجازه داشتند حتی در ماههای محرم و صفر نیز دوتارنوازی و آوازخوانی کنند مذهبی خوانی شامل حوزه‌های زیر بوده است. مداحی، مناجات خوانی، مرثیه خوانی، ذکر خوانی، مناقبت خوانی، توسل خوانی، نعت خوانی، حمد خوانی، تمام این اشکال در قالب موسیقی و زبان محلی که قابل فهم مردم باشد اجرا میشده است.

درمانگری

بخشی‌هایی بوده‌اند که به طب گیاهی و درمانهای سنتی آشنایی داشته و برخی بیماری‌ها مثل حصبه و انواع افسردگی شدید را با موسیقی و شعر و گیاهان دارویی معالجه می‌کرده‌اند.

مردمی بودن بخشیها

بخشیه‌ها گاهی به درخواست شنوندگان در مجالس ترانه‌هایی را که مورد علاقه آن‌ها بوده اجرا می‌کردند و بدین صورت سبب افزایش شادی در محافل و مجالس می‌شدند. در حال حاضر این بخشیه‌ها برخی از فعالیتهای بخشیه‌های گذشته را در مجالس و محافل شادی آفرین مثل عروسیه‌ها، جشنه‌ها، همایش‌ها و نشست‌های فرهنگی انجام می‌دهند و مورد علاقه مردم نیز می‌باشند.

موسیقی بخشیه‌های خراسان به عنوان بخشی از میراث موسیقایی

موسیقی شمال خراسان که منطقه‌ای مشخص و شناخته شده در کشورمان می باشد به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در دومین دور ثبت آثار میراث فرهنگی ناملموس به یونسکو ارائه شد و در سال ۲۰۱۰ در فهرست ماده ۱۶ کنوانسیون سال ۲۰۰۳ یونسکو با موضوع پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس به ثبت رسید و در زمره میراث موسیقایی جهان در آمد. فیلم ۱۰ دقیقه‌ای ارائه شده به یونسکو که جزو اسناد این پرونده است قابل دسترسی در این سایت می‌باشد، تهیه کننده و مدیر این پروژه آقای بهروز وجدانی است. سایر همکاران در تهیه این پروژه آقایان مجتبی قیطاکی، هوشنگ جاوید، شروین گودرزی می‌باشند همچنین مدیر فیلمبرداری آقای حمید انگجی و تعداد بیشماری از بخشیه‌های شمال خراسان که در آن تاریخ در قید حیات بوده‌اند نقش به سزایی در ثبت آن عهده‌دار بوده اند.

معیارهای استادی یا بخشی‌گری در موسیقی مقامی شمال خراسان

موسیقی شمال خراسان در سبک داستان گوئی از مقامهای مختلفی تشکیل شده است که برخی مختصرتر و برخی دیگر گسترده‌تر و پیچیده ترند و از چندین قسمت (شاخه) تشکیل شده اند برخی از مقامهای رایج در شمال خراسان عبارتند از نوایی، تجنیس، گرایلی، شاختایی و... در این میان نوایی گسترده‌ترین مقام هاست بخشیه‌های قدیم معمولاً کار خود را با اجرای نوایی آغاز می‌کردند و مهارت و پختگی نوازنده از اجرای این مقام مشخص میشد. تجنیس نیز یکی از پیچیده‌ترین مقام هاست و این دو مقام نوایی و تجنیس مهمترین مقامهای رایج در این منطقه اند و هر کدام از شاخه های مختلفی تشکیل شده اند. انتخاب مقام در داستان گوئی بستگی به محتوای داستان تشخیص بخشی و ترکیب حصار و حتی وزن شعر دارد از آنجا که مقام نوایی در واقع پیچیده‌ترین مقامها محسوب میشود اجرای آن در شروع مجلس نه فقط به دلیل کیفیت درونی و حالتهای آرام بخش آن، بلکه به دلیل اثبات قدرت نوازندگی و خوانندگی بخشی نیز بوده است.

بنا به گفته شادروان استاد محمد حسین یگانه از بخشیه‌های بزرگ موسیقی مقامی قوچان دوتارنوازی اغلب با مقام نوایی آغاز میشود و تشخیص مهارت و پختگی نوازنده را میتوان از اجرای این مقام دریافت به مقامهای نوایی و تجنیس شاه مقام نیز میگویند که اهمیت بیشتری دارند شادروان حاج قربان سلیمانی که یکی از معتبرترین و شناخته شده‌ترین بخشیه‌های منطقه قوچان بود و شهرت و اعتبار جهانی نیز داشت تعداد مقامهای اصلی موسیقی شمال خراسان را هفت مقام از جمله نوایی، تجنیس، گرایلی، شاختایی، حسین یار، زاهد و بیات میدانست. او معتقد بود که مقام هفتم را نه او به یاد دارد و نه محمد حسین یگانه به یاد داشته است حاج قربان سلیمانی مقام های نوایی و تجنیس را مهتر میدانست و در عین حال معتقد بود که تعداد شاخه‌ها و آهنگهای منشعب از مقام حسین یار بیشتر از سایر مقامها است به اعتقاد او نوایی و تجنیس نسبت به دیگر مقامها پیچیده‌تر هستند و در این میان نوایی از تجنیس نیز پیچیده‌تر است او اهمیت مقام ها را نه در تعداد آهنگها و شاخه های منشعب شده از آنها، بلکه در پیچیدگی و محتوای آن‌ها میدانند.

استاد حاج قربان سلیمانی نیز همانند استاد محمدحسین یگانه براین باور است که دوتارنوازی با مقام نوایی آغاز شود زیرا این مقام آرام بخش و بسیار درونی است پس از نوایی اغلب مقام تجنیس خوانده میشود و بعد مقام شاختایی. مقام شاختایی دارای هفت تا ده شاخه مختلف است پس از شاختایی مقام حسین یار و بعد از آن سایر مقامها اجرا میشوند شناختایی خود به چند نوع مانند شاختایی میان پرده، شاختایی شاه پرده، شاختایی ضربی و شاختایی فاصله دار تقسیم میشوند انتخاب مقام ها در داستان گویی بستگی به تشخیص محتوای اجرا کننده داستان و ترکیب حاضران دارد. حاج قربان سلیمانی و حاج محمد حسین یگانه هر دو مقام نوایی را شاخص ترین مقام برای بخشی بودن یک نوازنده و اثبات قدرت نوازندگی بخشی میدانند. شادروان خلیفه نظری محجوبی بخشی معروف و با تجربه ترکمن صحرا نیز اعتقاد داشت که مقبول ترین و کارآمدترین مقام موسیقی ترکمنی تشنید (تجنیس موسیقی مقامی شمال خراسان) است ولی از نظر اجرا ابتدا مقام مخمس، سپس مقام قرق لار و پس از آن مقام نوایی و در آخر مقام تشنید باید اجرا شود.

مقام های اصلی و مهم را شاه مقام میگویند مثلاً بخشیهای خراسان مقام های شاختایی، گرایلی، تجنیس و نوایی را از دیگر مقام های رایج در منطقه شمال خراسان مهمتر میدانند و به آنها شاه مقام میگویند بخشی های برجسته و معتبر خراسان معمولاً این مقامها را به روایت های گوناگون اجرا میکنند. علی غلامرضایی آلمه جوگی از مقام شاختایی برای خواندن اشعار فارسی و کردی استفاده میکند مقام تجنیس آهنگی عرفانی است و اغلب برای آواز پیش درآمد از آن استفاده میکنند همچنین بخشیها، گرایلی را مقامی سوزناک میدانند و بخشی علی رضا سلیمانی در این باره میگوید هنگامی که در داستانی میخوانیم غم و اندوه را توصیف کنیم گرایلی میخوانیم چراکه تأثیر این مقام با تاریخ دردناک ایل گرایلی ارتباط دارد که از قرن شانزدهم میلادی در این منطقه جای گرفته است.

نوایی مقام دیگری است که در میان بخشیها جایگاه ارزشمندی دارد و این مقام را در منطقه جنوب خراسان به شیوه ای خاص اجرا می شود. خیلی وقتها آن را به صورت تکنوازی و بدون آواز مینوازند در شمال خراسان با این مقام شعرهایی میخوانند که به شاعرانی چون امیر علی شیر نوایی، جعفرقلی و مختومقلی فراغی نسبت داده میشوند. برخی قطعه شعرهایی را نیز که با این مقام میخوانند به شاعر آذربایجانی، محمدتقی قمری قرن نوزدهم میلادی نسبت میدهند، چنانکه برخی را نیز از مولانا میدانند، مقام جبّار که بخشیهای کرد شمال خراسان آن را آهنگ سردار عوض می نامند به آهنگی رزمی معروف است هر چند که با آن اشعار عرفانی نیز میخوانند. اشعار جعفرقلی شاعر کرد خراسان را با آهنگهایی میخوانند که عنوان خود شاعر را دارد.

عاشق ها

عاشق ها اصیل ترین هنرمندان شمال خراسان هستند و عموماً از کردهای کرمانج میباشند. حرفه اصلی آنها نواختن سرنا، قُشمه، کمانچه، دهل و دایره است. عاشق ها که مهارت شگفتی در برگزاری جشنهای آئینی دارند، در گذشته علاوه بر نوازندگی و خوانندگی «توره» هم اجرا میکردند. توره گونه ای از نمایش است که براساس بداهه شکل میگیرد و در لحظه خلق می شود. توره بازها که معمولاً عاشق ها بودند علاوه بر خلق فضایی مفرح و شاد، به شرایط محیطی و اجتماعی خود نیز آگاه بودند و با زبانی تند و با لحنی طنزآمیز مسایل را مورد انتقاد قرار میدادند، هر چند که توره و توره گردان ها در میان عاشق ها نیز به فراموشی سپرده شده اند. حرکات خارق العاده نمایشی، آکروبات، تردستی و شعبده بازی نیز از مقوله هایی است که باید در فهرست توانمندی عاشقها گنجانند. متأسفانه به رغم جایگاهی که این گروههای موزیکال در فرهنگ کردهای کرمانج شمال خراسان داشته اند هنر عاشقی رو به زوال بوده و فقط نامی از آنها در میان این قوم مانده است، در حال حاضر تعداد کمی از

عاشقها در شمال خراسان به این نام شناخته میشوند. در گذشته‌ها توره به دو شکل توره نوروزی و توره عروسی اجرا میشده است. توره عروسی توسط عاشق‌ها اجرا میشده و حاوی طنز و انتقاد بوده است. متن نمایش به شکل گفت و گو محاوره خوانده میشد و موسیقی نقش فضا سازی را در طول نمایش داشت. نوازندگان در کنار صحنه مینشستند و بنا به موقعیت و نیاز نمایش، قطعاتی را اجرا می‌کردند. در توره آواز به ندرت خوانده میشد چون آوازخوانی از وظایف عاشق‌ها نبود. این نوع توره معمولاً در عروسی‌های بزرگ اجرا میشد و زمان اجرای آن حدود نیمه شب برای وقفه میان رقصها یا ظهر روزی که عروس به خانه داماد برده میشد، قبل از صرف ناهار بود. عاشق‌ها به جز اجرای موسیقی نمایش، هر کدام نقشی را که به عهده داشتند اجرا میکردند. اکنون توره گردانهای سرشناس خراسان در گذشته‌اند و با مرگ این هنرمندان گمنام یک سنت قدیمی ممتاز و منحصر به فرد از میان رفته است. در چند دهه قبل عاشق‌هایی مانند نیاز علی صحرا روشن نوازنده کمانچه و دهل و رمضان علی عزیزی نوازنده سرنا، قشمه و کمانچه نقشهایی در توره ایفا می‌کردند که متأسفانه در حال حاضر در میان ما نیستند. امروزه در برخی از روستاهای دور افتاده ممکن است این نمایش به صورت کوتاه و مختصر اجرا گردد. در اجرای موسیقی توره کمانچه نقش بسزایی داشته است. شادروان حضرت قلی، شوهرخواهر نیاز علی صحرا روشن از معروف‌ترین عاشق‌های مجری توره در نیم قرن اخیر بود این هنرمند شایسته در چند دهه گذشته به تنگدستی افتاد و در نهایت در فقر و تنگدستی در شیروان دار فانی را وداع گفت. از دیگر کسانی که در اجرای توره در میان عاشق‌ها شهرت داشت میتوان از شادروان عطاء الله حسینقلی، پدر رمضان علی عزیزی (آتو عاشق) نام برد. در آذربایجان و ترکیه واژه عاشق به همان معنای بخشی و رامشگر است. در حالی که در شمال خراسان عاشق معادل مطرب است. عاشق‌ها نوازندگانی حرفه‌ای هستند و به صورت گروهی در جشنها و پاکوبیهای محلی هنرنمایی میکنند و موسیقیشان جنبه تفریحی و شادمانی دارد معمولاً سرنا و دهل را با هم یا قشمه را با دهل و گاه کمانچه را همراه دهل می‌نوازند. گاه قسمتهایی از مجموعه آهنگهای بخشی‌ها مانند کرم و اصلی، سردار عوض و ججوخان را نیز اجرا میکنند مقام و منزلت اجتماعی عاشقها بسیار بالا نیست، گاهی لباس زنانه به تن میکنند و به جای خانمها میرقصند. عاشق‌ها در مراسم کشتی‌گیری محلی شرکت کرده و آهنگهایی را اجرا میکنند. آنها معمولاً در قهوه‌خانه‌ها تجمع میکنند، یکی از قهوه‌خانه‌های قوچان به قهوه‌خانه عاشق‌ها شهرت دارد. هنگامی که عروسی در پیش باشد صاحبان جشن به این قهوه‌خانه رفته و از عاشق‌ها برای شرکت و هنرنمایی دعوت میکنند. همانطور که در سطور بالا اشاره شد منزلت و پایگاه اجتماعی عاشق‌ها در مقایسه با دیگر گروه شناخته شده موسیقایی خراسان پائین‌تر است و معمولاً در میان آنها افرادی که همانند بخشی‌ها به داستان سرایی و نقل خوانی آشنا باشد دیده نمیشود. برخی در خراسان معتقدند واژه عاشق واژه‌ای کردی است که دلالت بر نوازنده دارد در شمال خراسان عاشق‌ها را که گاه به آنها عاشق چی نیز میگویند به کردها نسبت میدهند. این هنرمندان از طوایف کوچ نشین توپکانلو و کیکانلو در شمال شیروان هستند. شایان ذکر است در میان عاشق‌های شمال خراسان گاه شخصیت‌هایی هستند که به واسطه مهارت، هنر والا و توانمندی در هنر عاشقی و نیز رفتار شایسته هنرمندی مورد احترام بوده که معمولاً عاشقهای قدیمی غالباً این چنین بوده‌اند از جمله نیاز علی صحرا روشن، رمضان علی عزیزی، ولی رحیمی، امان الله قیامی و غیره.

لوطی‌ها

لوطی‌ها پیام‌رسانان جامعه بوده‌اند، آنها همواره از روستایی به روستای دیگر در سفر بودند. مردم را نسبت به اوضاع و احوال روزگار باخبر میکردند، مانند عاشق‌ها حق انتقاد داشتند و همچون سپاه بازهای دربار از گزند اربابان در امان بودند، لوطی‌ها



اخبار و وقایع را به شعر در می‌آوردند، به زبانهای مختلف همراه با موسیقی با اشعاری اهنگین اجرا میکردند، برای برگزاری مراسم شادی و اجرای رقص دعوت میشدند ولی کارشان به زیبایی عاشق ها نبود. ساز رایج لوطی‌ها دایره بود، نسل لوطی‌های شمال خراسان از بین رفته و تنها نام و یاد آن‌ها باقی مانده است.

مقامها و نغمات شاخص موسیقی‌سازی و آوازی در شمال خراسان

در شمال خراسان رشته پیوند میان ادبیات فارسی و هنر بخشی‌ها روشن است. بخشی قصه‌خوان سوژه‌هایش را معمولاً از ادبیات کلاسیک یا از منابعی که فرم ادبی یافته‌اند بیرون می‌کشد (مانند داستان طاهر و زهره). این نوع روایتگری که خاص بخشی‌های شمال خراسان است در میان رامشگران جهان ترک بویژه در آسیای میانه نیز بسیار رواج دارد شناخته‌ترین این داستانها عبارتند از طاهر و زهره، کرم و اصلی، غریب و شاه صنم، حمرا و صیادخان، حمرا و حوری لقا و ... از برخی از داستانها روایت‌های گوناگون در دست است مانند غریب و شاه صنم، طاهر و زهره و اصلی و کرم که در میان ترکهای غرب آناتولی و آذربایجان و نیز ترکهای آسیای میانه و خراسان روایت می‌شود.

در ادامه برخی مقامها و نغمات شاخص موسیقی که امروزه در شمال خراسان اجرا میشود معرفی میگردد.

مقام لو

لو یکی از مقامهای اصیل موسیقی کرمانجی است. لو فریاد خاموشی است که گاه به صورت شعرهای خون آلود بر مزار جوانان مویه میشود و یا شرح حال شبان پر دودی است که حدیث روزگارش را از زبان نی باید شنید و زمانی دیگر سرایش عاشقانه مادری است که اندوه هجران را روایت میکند. اشعاری که در لو خوانده میشود معمولاً به صورت بداهه بوده و وزن و قالب مشخص ندارد هر چند گاه از اشعار عرفانی کرمانجی نیز در این آهنگ استفاده میشود که مصراعهای این اشعار ممکن است ۸ تا ۲۰ هجایی باشد. هویت کردهای کرمانج شمال خراسان در مقام لو نهفته است. بسیاری از نغمه‌ها و آهنگهای این منطقه از جمله لالایی‌ها، مرثیه‌ها و مویه‌ها از مقام لو متأثرند، اجرای آواز لو در عروسی‌ها متداول نیست.

مقام شاختایی

مقام شاختایی یکی از مقام‌های معروف بخشی‌های شمال خراسان است. برخی این مقام را به واسطه تخلص شاه اسماعیل صفوی برگرفته از او میدانند اما در واقع ختا و ختن بسامدی بی شمار در ادبیات ایرانی دارد و نمیتوان آن را به زمان صفوی محدود نمود. شاختایی یکی از گوشه‌های موسیقی ردیف-دستگاهی ایران نیز میباشد که در دستگاه‌های مختلف اجرا میشود. شاختایی به بیش از ده شاخه تقسیم میشود که در شهرهای مختلف شمال خراسان به روشهای متفاوت اجرا میشود به عنوان مثال آهنگهای جعفر قلی زارنجی و یا گل صنوبر که در مقام شاختایی به گونه‌های متفاوت اجرا میگردد.

مقام هرایی

هرایی میراث بجا مانده از مبارزات آزادی خواهی این قوم به شمار میرود و زمینه ساز داستانهایی با بستر تراژیک است. این مقام به لحاظ محتوی با لو وجه اشتراک دارد ولی در اجرا کاملاً متفاوت است. هرایی به معنای فریاد است. فریاد برای رهایی و آزادی،

هرایی را فریاد درد نیز نامیده‌اند، به گفته برخی از بخشی ها هرایی در داستان کرم و اصلی جایگاهی منحصر به فرد دارد و هر گاه کرم گرفتار میشود هرایی میخواند.

زنده یاد یحیی باغچنی از نوزادگان معروف نی، این مقام را به خوبی و قابل فهم برای شنونده اجرا کرده است.

کرم و اصلی

درباره خاستگاه داستان عاشقانه کرم واصلی نظرات و روایات متعدد وجود دارد. بانارلی پژوهشگر معاصر ترک میگوید: اساس این داستان از شعرهای آواز خوان و نوازنده ای به نام کرم بوده که درباره زندگی خود سروده است و به مرور زمان به شکل افسانه‌ای رواج یافته است. این افسانه در میان ترکمن ها، ترک ها، آذری ها، ارمنی ها و... به صورت های متفاوت نقل میشود ولی در تمامی آن ها مایه اصلی و قهرمان داستان یکی است.

سرودهایی از این دست در برخی از مجموعه‌های خطی مذبوط است و به نماد و تمثیل عشقی پاک تبدیل شده است. اصلی همان مریم دختر مسیحی آلبانی تبار معشوقه کرم، عاشق پیشه مسلمان است که قاراملیک پدر مریم مانع این عشق میشود. این نقل که در مجالس و محافل توسط بخشی ها روایت خوانی میشود یکی از داستانهای پرشور و شیرین برای مخاطب و اجرایی دشوار برای بخشی محسوب می‌گردد.

ججوخان

سرمنشأ این آهنگ حادثه ای واقعی و تاریخی است، رشادتها و مبارزات قهرمانی از قوم کرمانج به نام ججوخان مرد جسوری که در زمان نفوذ و حضور روس‌ها در ایران، حکومت وقت او را به عنوان حاکم میان کوه منصوب کرد. او که انسانی آزادی خواه و وطن پرست بود، نیروهای ملی را متحد میکند تا برعلیه روسها مبارزه کنند. روسها این مبارز را مخالف آرمان و اهداف خود میبینند و در اسفند ماه سال ۱۲۹۰ خورشیدی وی را دستگیر نموده و به زندان می‌اندازند. ججوخان از زندان روسها میگریزد و به مبارزه ادامه میدهد تا سرانجام با خیانت برخی از هموطنان خودفروخته به قتل میرسد. ججوخان اهل درگز زادگاه نادرشاه افشار بود و معمولاً او را با این پادشاه مقایسه میکنند. او نیز مانند سردار عوض کرد بود و در زمان قاجار در خراسان می زیست. او به مثال عیاران به انبارهای دولتی دستبرد میزد و ذخایر آن‌ها را در میان تهی دستان تقسیم میکرد. بر اساس تاریخ و خاطرات محلی ججوخان دوبار اسیر روسها میشود، مرتبه اول در مرو و سپس در عشق آباد و هر بار به موجب قراردادی میان دولت روس و دولت ایران آزاد میگردد، از آن جا که مناطق مرزی را خوب میشناخت حاکم درگز او را مأمور میکند از این مناطق در برابر راهزنان و قاچاقچیان محافظت نماید، چندی این کار را انجام میدهد و آنگاه به پاسداری از کشور در برابر دشمن اصلی یعنی روسها می‌پردازد. او را به دلاوری هایش در این مبارزات میشناسند. به گفته حاج قربان سلیمانی که پدرش ججوخان را دیده است او مانند شیر و پلنگ بود و دیگر زنی یافت نخواهد شد که چنین فرزند رشیدی را به دنیا آورد.

الله مزار

الله مزار محاصل حوادث تلخی است که تاریخ آن را برای قوم کرد کرمانج رقم زده است. الله مزار یکی از آهنگهای کرمانجی است که فضایی خون آلود را مجسم میکند.

نرگس

این آهنگ مربوط به داستان طاهر و زهره است و شعر آن بازگو کننده دل باختگی نرگس خانم، دختر بازرگان گرجی به طاهر است. طاهر به عشق نرگس اعتنایی نکرده و نرگس از ندیمه‌هایش می‌خواهد که طاهر را گوشمالی دهند. زهره و طاهر داستانی است که از دیرباز در میان ملل ترک زبان آسیای مرکزی، آذربایجان و آسیای صغیر مکرر انتشار یافته است. با استناد به اطلاعاتی که از خنیاگران ملی اویغور ترکستان شرقی چین به دست آمده در داستان اریپ و سانیم (احتمالاً غریب و صنم) و تاهیر و زهره هنوز هم توسط بخشیه‌های اویغور روایت می‌شود.

دلال

دلال احتمالاً از مقام «لو» برگرفته شده است. اشعار عاشقانه این آهنگ در وصف معشوقی از دست رفته، سروده شده و روایتی پرسوز و گداز است. دلال در عین حال که نامی شناخته شده برای دختران کرمانج می باشد صفتی است برای دختران رعنا، بلندبالا و سیه چشم. در مقابل این واژه کلمه دلیل قرار دارد که به پسران رشید، با اخلاق و دلاور گفته می‌شود. این ترانه زبان حال عاشقی را بازگو می‌کند که در عشق معشوق خویش، دلال می‌سوزد.

موسیقی مناطق شرق خراسان

موسیقی تربت جام

موسیقی و رقصهای محلی شرق خراسان در شهرهای تربت جام، سرخس، خواف، باخرز و تایباد از لحاظ تنوع، گستردگی و غنا از شهرت ویژه‌ای برخوردارند. تربت جام زادگاه شیخ احمد جامی شاعر و عارف نامی، دارای موسیقی سرشار از معانی و مفاهیم ادبی، اخلاقی و عارفانه است. انواع موسیقی سازی و آوازی، رقصهای آئینی، اشعار عارفانه، غزلهای عاشقانه، ترانه‌های محلی و موسیقی حماسی از هزاران سال پیش تاکنون سینه به سینه به صورت شفاهی از نسلی به نسلی رسیده است. یکی از انواع موسیقی‌سازی و آوازی منطقه تربت جام موسیقی توصیفی است که در آن خواننده محلی ضمن دوتارنوازی به توصیف و روایت داستانهای مورد علاقه مردم می‌پردازد. از مشهورترین رقصهای محلی منطقه تربت جام میتوان به انواع زیر اشاره کرد: حتن، سه چکه، آفر، چوب بازی، مشق پلتن، اوشاری و حنایی و غیره. در این منطقه به نوازندگان ساز دوتار، دوتاری می‌گویند که در مراسم عروسی و شادی به اجرای قطعاتی مانند چهاربیتی، غزل‌سازی، نوایی، سبزپری، کبک زری و غیره می‌پردازند. معروفترین و متداولترین سازی که از گذشته‌های دور تاکنون در خراسان بزرگ وجود داشته «دوتار» بوده که خوانندگان و نوازندگان ماهر در سراسر خراسان، ایران و حتی جهان از شهرت و محبوبیت ویژه‌ای برخوردارند. بعد از دوتار از دیگر سازهای رایج در این منطقه میتوان به دهل، سرنا، نی چوپانی و دایره نام برد.

ساز بادی دو سازه جنوب خراسان یا قشمه (شمال خراسان) در این منطقه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قطعه‌هایی که با ساز دوتار اجرا میشوند، بیشتر همان آوازهای رایج در منطقه‌اند مانند: آوازهای سرحدی، جمشیدی، هزارگی و... می‌باشند. جمشیدی و هزارگی نام دوایل شناخته شده در منطقه تربت جام می‌باشند که آوازهای موسوم به جمشیدی براساس اشعار دوبیتی خوانده میشوند. بیت‌ها معمولاً به وسیله ساز دوتار از هم جدا میشوند اما قطعات بدون کلام و مستقلی هستند که با دوتار اجرا میشوند و در موسیقی آوازی نمونه‌ای ندارند مثل مقام مشق پلتن و غیره.

تعداد قابل توجهی از آوازهای منطقه تربت جام در واقع نمونه‌هایی از یک نمونه اصلی انتزاعی هستند این آواها معمولاً شامل سرحدی، جمشیدی، کوچه باغی و هزارگی است این آواها گرچه دارای نامهای گوناگونی هستند ولی یک نمونه انتزاعی منشأ

همه آنها است. برخی از این آواها راوی قصه هستند مانند: قصه زمین و آسمان، قصه معجزه حضرت پیامبر (ص)، صیاد، مرغ زیرک، آهو و غیره از دیگر آواهای رایج این منطقه آواز نوایی است. آواز نوایی گاه دارای مقدمه‌ای با متر آزاد است که این مقدمه گاه با تغییراتی، در آواز آهو نیز خوانده میشود. در آوازهایی که اشعار آن دوبیتی است دوتار بطور همزمان آواز را همراهی نمیکند و فقط بعد از هر بیت دوتار با استفاده از محتوای آهنگنواخته می شود، این کار برای وضوح بیشتر متن در آواز و بهتر شنیدن آن است و نیز به دلیل وجود آرایه‌ها و تحریرهای فراوان در آواز، همراهی دوتار بسیار دشوار خواهد بود. از برجسته ترین دوتارنوازان منطقه تربت جام می توان به نظرمحمد سلیمانی، عبدالله سروراحمدی، حسین سمندری، ذوالفقار عسکریان، عثمان محمدپرست، غلامعلی پورعطایی و نورمحمد درپور اشاره کرد.

مفهوم مقام در موسیقی تربت جام

عنوان مقام در موسیقی منطقه تربت جام بسیار رایج است و در واقع بجای عنوان آهنگ بکار میرود که دارای پیشینه تاریخی است و عنوان آهنگ در این موسیقی بسیار کم و عنوان ترانه اصلاً به کار نمی‌رود. برخی مقامها شاخه‌های متعدد دارند برای مثال: مقام مشق پلتن مقام نوایی دارای شاخه های مختلف و مقام الله دارای ۷ شاخه است و برخی مقامها نیز از یک شاخه تشکیل شده اند. تعداد صوت ها یا پرده های مورد استفاده در مقام ها مختلف است. مقامها معمولاً ۳ تا ۱۷ پرده را دربر میگیرند و دارای ایست های گوناگون هستند. ازجمله مقام های شاخص منطقه شرق خراسان میتوان به نمونه های زیر اشاره کرد.

مقام نوایی

شاید نوایی برگرفته از نام امیرعلی شیر نوایی پدر شعر جغتایی است که در قرن ۱۶ میلادی میزیسته است. نوایی نه تنها نشان موسیقی مقامی منطقه شرق خراسان است بلکه به سبب رواج در سراسر خراسان آن را میتوان به عنوان شاخص ترین و قدیمیترین مقام موسیقایی البته با ساختار موسیقایی متفاوت در سراسر خراسان دانست. نوایی نوعی چاووش خوانی در منطقه تربت جام، تایباد، سرخس و خواف بوده که به هنگام بدرقه افرادی که قصد عزیمت به خانه خدا را داشته‌اند خوانده میشده است در این میان شعر معروف طبیب اصفهانی همین معنا و مفهوم را میرساند لذا در این مراسم توسط بدرقه کنندگان زائرین خانه خدا خوانده میشود:

غمش در نهانخانه دل نشنید / به نازی که لیلی به محمل نشیند.

به دلیل اینکه خراسان بزرگ تا حدودی هرات افغانستان را شامل میشد گویند آهنگ نوایی را هنرمندی از آن دیار ساخته است. استاد «عثمان محمدپرست» مشهور به عثمان خوافی بر این آهنگ زیبا در واقع پیش درآمدی زیبا ساخته که مورد استقبال خوانندگان دوتاری منطقه تربت جام قرار گرفته و رواج پیدا کرده است. البته دوتاری‌های مشهور و شناخته شده منطقه تربت جام ازجمله سالار احمدی، غلامعلی پور عطایی و قبل از همه این استادان نظرمحمد سلیمانی دوتاری صاحب نام و معتبر منطقه تربت جام که تمام دوتاری های این منطقه او را به استادی قبول دارند این مقام معروف منطقه تربت جام را اجرا کرده است در واقع تمام استادان ازجمله: نظرمحمد سلیمانی، عثمان خوافی، غلامعلی پورعطایی، ذوالفقار عسکریان و سالاراحمدی هر یک به شیوه و سبک خودشان مقام نوائی را همراه با دوتارشان اجرا کرده اند که گرچه از لحاظ اصل و اساس آهنگ یکی است و شعر نیز تفاوتی ندارد ولی هر یک به سبک و شیوه‌ای متفاوت که ویژه خود آنها است اجرا کرده اند و

مدعی شده اند که سازنده این مقام هستند. در هر صورت مقام نوایی، اصالت قدمت و گستردگی زیادی در سایر مناطق خراسان دارد و نیز به شیوه های گوناگون اجرا میشود و سازنده اصلی آن مشخص نیست و سابقه دقیق آن نیز همانند سایر نغمه های اصیل و قدیمی برای ما روشن نیست. البته اجرای شادروان ابراهیم شریف زاده آوازخوان صاحب نام منطقه باخرز نیز با همراهی غلامحسین سمندری که از دوتاری های چیره دست این منطقه بوده اند مقام نوایی را به زیبایی اجرا کرده اند که با دیگر آثار اجرا شده نوایی تا حدی متفاوت است که البته این تفاوتها نیز طبیعی و بارزش میباشند.

مقام الله مدد

مقام الله مدد مقام عشق و علاقه مردم این خطه به پیر و مرادشان عارف واصل حضرت فائض الانوار شیخ احمد جامی است که اصل نام این سرحدات از بابت وجود مقبره او تربت جام شده است. شعر این مقام، عمدتاً بیان ویژگی های شیخ احمد جام است. حکایت حالات و کرامات شیخ، با این همه این شعرها بیشتر از آن که بازگو کننده حقایق درباره زندگی شیخ باشد، بیان کننده میزان ارادت مردم تربت جام به ایشان است. این ارادت تا آنجاست که بخش هایی از زندگی او با افسانه در آمیخته است و البته از این دست حکایات در ادبیات عرفانی ما کم نیست.

یکی از این حکایات بیان میکند وقتی شیخ به امر خدا تصمیم می گیرد از غار تنهایی خود، در دل کوه های بزرگ به میان مردم بیاید، هنگامی که از دامنه کوه به سوی روستا سرازیر می شود، میبیند سنگ ها به دنبالش راهی شده اند شیخ به سنگ ها امر میکند برجایشان آسوده بمانند. اکنون مزار شیخ زیارتگاه مردم منطقه است و بزرگترین مدرسه علمی و مسجد جامع شهر در کنار مزار او که روزگاری خانقاه شیخ بوده بنا شده است.

مقام مشق پلطان

مشق پلطان یا همان مشق پیل تنان از دو کلمه مشق یا تمرین نظامی و پیل تنان یا انسان های قوی هیکل تشکیل شده است که در زمان هخامنشیان و اشکانیان در پادگان های نظامی برای آمادگی جسمی به سربازان آموزش داده میشده.

مقام ذکر الله

یکی از مقام های بسیار مهم در منطقه تربت جام است که علاوه بر دوتار با سرنا و دهل نیز اجرا میشود و بیشتر در مراسمات عرفانی و ذکر خوانی اجرا میشده است.

مقام اشتر خجو

این مقام زیبا برگرفته از راه رفتن و زنگ شتران است که از دوران کهن به یادگار مانده است. در خراسان این مقام با دوتار و نی بصورت بی کلام اجرا میشود. در ارتباط با این مقام روایت های مختلفی ارائه شده که هر کدام داستانی شنیدنی است.

مقام کبک زری



مقام کبک زری یا کبک دری یکی از شاخه های مقام الله است برگرفته از طبیعت و راه رفتن کبک دری است که توسط نوازندگان دوتار از نسلی به نسل دیگر منتقل شده تا به امروز که توسط هنرمندان اجرا میشود. اشعار مرسوم این منطقه بیشتر از مولانا جلال الدین فقهی سلجوقی، ملا دادعلی، خلیفه شیخ مرتضی و خلیفه ملاسلطان است. همچنین از اشعار سعدی، حافظ، نظامی، اوحدی مراغه ای، اوحدی کرمانی، شاه نعمت الله ولی، سنایی، مولانا عبدالرحمن جامی، بیدل دهلوی، امیرخسرو دهلوی، شیخ احمد جامی و قاسم انوار در آوازهای این منطقه استفاده میشود.

به جرأت میتوان گفت موسیقی شرق خراسان به مرکزیت تربت جام از منظر توجه به جنبه ها و لایه های درونی و معرفتی زندگی معنوی و تفکر باطنی انسانها پدیده ای بی همتا است و از این رو موسیقی هیچ ناحیه ای از ایران به جز مقامها و کلامهای سلسله اهل حق در کرمانشاهان و شمال لرستان قابل مقایسه با کیفیت موسیقی تربت جام نیست.

مهمترین قالب شعری این منطقه دوبیتی است که ماهیتی عاشقانه دارد. بیت خوانی و فریادی ها نیز از نظر مضمون تفاوتی با دوبیتی و چهاربیتی ندارند. غزل خوانی در مقایسه با بیت خوانی رواج کمتری دارد و معروفترین نمونه آن، غزل آهو را میتوان نام برد که شادروان غلامعلی پورعطایی آن را به بهترین شیوه اجرا کرده است و نمونه ضبط شده آن در اختیار علاقمندان قرار دارد. رباعی خوانی بدون ساز نیز در مراسم عروسی و شادی توسط افراد خوش صدا اجرا میشود. استاد سالار احمدی در خواندن رباعی های منطقه تربت جام مهارت زیادی دارد.

موسیقی مناطق جنوب خراسان

موسیقی محلی و مقامی جنوب خراسان دارای جایگاه بسیار ارزشمندی است. فعالیت این نوع موسیقی باعث کسب رتبه های بین المللی و حضور آنان در اجراهای خارج از کشور نشان از اقبال بلند موسیقی محلی بویژه موسیقی مقامی در سراسر جهان است. موسیقی درحوزه جنوب خراسان شامل شهرستانهای بردسکن، کاشمر، قائن، گناباد، بجستان، بیرجند، نهبندان، نیشابور، سبزوار و تا حدودی روستاهای اطراف تربت حیدریه است که از قدمت زیادی برخوردار میباشد. تشابهات در موسیقی مناطق جنوب خراسان فراوان است و نیز تفاوتهایی در موسیقی و رقصهای محلی این منطقه دیده میشود که در این مطالعه صرفاً به سه کانون اصلی موسیقی محلی جنوب خراسان یعنی ترشیز، گناباد و بیرجند پرداخته میشود.

مناطق حوزه فرعی ترشیز (بردسکن و کاشمر)

موسیقی محلی منطقه ترشیز شامل شهرستان های بردسکن و کاشمر با ویژگی های خاص این منطقه، پیوندهای زیادی با موسیقی منطقه شرق خراسان (تربت جام) و مناطق جنوبی خراسان (بیرجند) دارد. بخش قابل توجهی از آوازهای منطقه ترشیز را فریادی یا به اصطلاح کله فریادی یا به عبارتی چهاربیتی ها تشکیل میدهد. فریادی در واقع یک نوع از آوازهای بنیادی این منطقه است که با تفاوتهایی نسبت به دیگر آوازها، در جنوب و شرق خراسان رایج است. فریادی معمولاً بدون همراهی ساز خوانده میشود اما گاه ممکن است با ساز دوتار و نی همراه شود. در قدیم بیشتر توسط ساربان ها و چوپان ها در بیابان خوانده میشد. از نمونه های معروف فریادی میتوان به آواز حسینا و آواز فراقی اشار کرد. چهاربیتی یا چاربیتی از نظر شعر، همان دوبیتی است که به اعتبار داشتن چهار مصرع، آن را چاربیتی میگویند. از این نوع شعر به جز در آوازها، در لالایی ها نیز استفاده میشود. بخش دیگری از آوازهای منطقه ترشیز شامل آوازهای پادایرگی، حنابندان، به حمام بردن داماد، اسب چوبی و غیره می شوند. از دیگر آوازهای ترشیز در قالب چهاربیتی میتوان از سرحدی، مُصیب، غریبی و غیره نام برد. برخی از آهنگها و نغمه هایی که



در گذشته رواج داشته و امروزه تا حدودی به فراموشی سپرده شده‌اند و فقط در حافظه هنرمندان قدیمی مانده‌اند، عبارتند از مندسین (محمدحسین) نامراد، شهربانو، کوچه باغی، حیدرببیگ، حسینا، فراقی، لالایی، پادایره ای ها و غیره.

مقام محمدحسین نامراد

روایت تلخ دوپسرعمو بنام های حسین و محمدحسین در منطقه ای بنام شادی اباد از توابع بردسکن که هردو عاشق دختری میشوند و محمد حسین در راه رسیدن به معشوق بدست پسرعمویش کشته میشود و این مقام نوعی مرثیه سرایی مادر برای فرزند ناکامش بنام محمدحسین است که سالهاست توسط هنرمندان و مردمان این منطقه از گذشته تا کنون زمزمه شده و این داستان تلخ مقامی است آشنا میان مردمان کویر.

مقام شهربانو

روایت عاشقانه چوپانی بنام میرسلیمون که دلباخته و سرگشته شهربانو دختر حاج اسماعیل آهنگر میشود. عشق پاک و زلال میرسلیمون در فراق شهربانو سبب جوشیدن چشمه ای میشود بنام چشمه شهربانو که این روایت زیبا سالهاست میان مردمان این منطقه بصورت پادایره ای زمزمه میشود و در قالب مقامی به همین نام معرفی می گردد.

در این منطقه نوعی دوبیتی خوانی با مضمون هجران و دوری از یار موسوم به فراقی رواج دارد که معمولاً روستائیان هنگام استراحت، دایره وار دور هم می نشستند و هر یک با خواندن دوبیتی با لهجه محلی از هجران و فراق یار میگفتند. شیوه خواندن دوبیتی های محلی و عامیانه نیز بدین صورت بود که هر فرد بیت آخر را به گونه ای می خواند که نفر بعد، از لحن و نوع فرود مصراع پایانی می فهمید که نوبت اوست و باید دوبیتی بعدی را بخواند. در منطقه بردسکن و کاشمر این گونه آوازا را گاه فریادی یا کله فریادی می نامیدند. از دیگر مقام ها و آوازهای مرسوم در بردسکن و کاشمر، آهنگها و آوازهایی است که در مناطق جنوب و شرق خراسان رایج است مانند اشتر خجو، کبک زری، سبزه پری، جمشیدی، مقام الله و گل انار.

از آهنگهای ضربی منطقه ترشیز میتوان بی بی جان قرائی، شهربانو، کوهی و آی نگار را نام برد.

در مجموع شهرهای بردسکن و کاشمر که در کتب ادبی، تاریخی و اجتماعی از آن بعنوان منطقه ترشیز نام برده شده، دارای آوازا و ترانه های کهن و دلنشین عاشقانه است که بخشی از آن بدست فراموشی سپرده شده و بخشی دیگر چون میراثی بجا مانده از روزگاران دور، سینه به سینه از نسلی به نسل بعد رسیده است.

مناطق حوزه فرعی گناباد

گناباد از شهرستان های جنوب خراسان است، دارای رقص و موسیقی محلی می باشد که برخی آهنگهای معروف و متداول این منطقه عبارتند از: کردی قطعه ای مخصوص رقص برگرفته از موسیقی شمال خراسان، زنگ شتر قطعه ای آرام و شاد، جنگ قطعه ای مخصوص رقص مردان، عروس کشان قطعه ای مخصوص عروسی و کرنا قطعه ای مخصوص شادی و عروسی است. برخی آهنگهای قدیمی و گاه فراموش شده منطقه گناباد، کاخک و بیدخت که فقط نام آن ها در یادها باقی مانده عبارتند از: کابلی، آهنگی که رقصندگان مرد با پوشش افغانی اجرا میکردند. بجستانی، آهنگی مخصوص رقص که شباهت زیادی به رقص کابلی دارد. افتخار، آهنگی که در عروسی با لحنی آرام و سبک نواخته میشود و میرقصند.

از جمله سازه های قدیمی که در جنوب خراسان تقریباً مهجور مانده و کمتر به آن توجه شده دو سازه است اما در منطقه گناباد هنوز به اقتدار خود باقیست و بطور رایج در مراسمات جشن و شادی از آن استفاده میشود. این ساز در برخی نواحی ایران دارای نام های متفاوتی مانند دونی، جفتی، قشمه و دوزله است. فارابی آن را مزممار المثنی یا مزدوج نام نهاده بود.

مناطق حوزه فرعی بیرجند

ویژگی موسیقی محلی بیرجند در حرکات ریتمیک و نمایشی آن است. چوب بازی و رقص چوب در این منطقه سرشار از تنوع، زیبایی و حرکات نمایشی است که در مجموع رقصنده را وادار میسازد که مهارت و چابکی زیادی کسب نماید تا بتواند با سایر رقصندگان و نوای موزون دهل و سرنا هماهنگ باشد. ساز اصلی و متداول در این منطقه از گذشته تا کنون دوتار، سرنا، دهل، نی چوپانی، دایره و دوسازه بوده که معمولاً در رقصها و چوب بازیهای محلی سازهای سرنا و دهل مورد استفاده قرار میگیرد. علاوه بر رقصهای فردی، دو نفره و دسته جمعی که به آنها اشاره شد، رقصهای زیادی در منطقه جنوب خراسان متداول است که رقصندگان با حرکات ریتمیک و نمایشی با دو عدد چوب انجام میدهند در اصطلاح محلی به آنها چوب بازی میگویند که بسیار سخت و پیچیده است و نیاز به مهارت، ممارست، انعطاف بدنی و تمرین فراوان دارد. نوع دیگری از موسیقی محلی منطقه بیرجند که بیشتر در مراسمات عروسی در روستاها اجرا میشود غزل بیرجندی و قدم زنی است که در آن نوازندگان دهل و دایره در حال حرکت همراه با مردم شرکت کننده در مراسم عروسی به نوازندگی در حین حرکت میپردازند.



موسیقی خراسان بر اساس قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی که در این منطقه وجود دارد، تنوع بسیاری دارد. با توجه به تنوع فرهنگی و قومیتی در خراسان، موسیقی نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگی نقش مهمی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی افراد دارد. در نتیجه بررسی ارتباط بین فرهنگ و قومیت‌ها و نقش موسیقی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی افراد خراسانی، می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر درک کنیم چگونه این دو عامل در پیوند با یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چگونه موسیقی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگی، نقش مهمی در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی افراد دارد. خراسان به واسطه وسعت جغرافیایی و تنوع پراکندگی دارای خرده فرهنگها، باورها نگرشها و در نهایت موسیقی متفاوتی است و به واسطه وسعت خاک و تنوع گونه و گستردگی، آب و هوا و شرایط اقلیمی، توانایی و استعداد انواع شیوه معیشتی را داراست و از این رو علاوه بر بومیان منطقه، قبایل و طوایف متعددی با نژادهای متنوع از عرب‌های سامی تا هزاره و بلوچ و نژادهای کرد و کرمانج و ترک و ترکمن در این قسمت از سرزمین ایران سکنی گزیده اند، به همین دلیل این پهنه دارای اقوام متنوع بوده و یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگی موسیقی است که برخلاف بیشتر مناطق ایران از انواع خاصی از فرهنگ‌ها و اقوام برخوردار است و نواحی مختلف خراسان دارای موسیقی‌های متفاوتی می‌باشد. موسیقی و فرهنگ دو ناحیه شرق و جنوب ارتباط بیشتری با هم دارند ولی فرهنگ و موسیقی شمال خراسان در مقایسه با دو منطقه شرق و جنوب اختلاف بیشتری دارد کانون اصلی موسیقی شمال خراسان شامل شهرهای قوچان، شیروان و بجنورد میشود. کانون اصلی موسیقی شرق خراسان منطقه تربت جام و ناحیه جنوب شامل شهرستان بردسکن، کاشمر و بیرجند میشود. موسیقی شمال خراسان از تأثیرات موسیقی ترکمنی تا حدی بهره‌مند شده و موسیقی ترکمنی نیز به ویژه در نواحی مجاور خراسان از تأثیرات موسیقی کردی بی‌بهره نمانده است. ساز بادی قشمه از نواحی کردنشین شمال خراسان به برخی از مناطق ترکمن صحرا انتقال یافته و مشترکاتی در شیوه اجرای موسیقی ترکمنی، نی نوازی و تا حدی تکنیکهای اجرایی دوتار و داستان‌ها و اشعار در میان بخشی‌های شمال خراسان بویژه بخشی‌های ترک زبان و بخشی‌های ترکمن صحرا مشهود است. از منظر تنوع فرهنگی اگر به خراسان بویژه در منطقه شمال خراسان نگاه کنیم بایستی اذعان کنیم که مهاجرت اقوام به این منطقه نه تنها موجب از هم گسیختگی فرهنگی نشده بلکه سبب تنوع موسیقی و وحدت فرهنگهای اقوام، کرد، ترک، ترکمن و فارس نیز شده است این تنوع سبب بروز و پیدایش موسیقی زیبا، دلنشین و بسیار متنوع و رنگارنگ در این منطقه شده است که در مجموع سبب تمایز آن در میان موسیقی سایر نقاط ایران گردیده است.



منابع

- درویشی، محمدرضا، از میان سرودها و سکوت، انتشارات موسسه فرهنگی و هنری ماهور، ۱۳۸۰.
- قیطاقی، مجتبی، مجموعه پژوهشی آلبوم لو، موسیقی مقامی شمال خراسان، کارگردان علی عابدی، ۱۳۹۲، انجمن موسیقی خراسان شمالی.
- قیطاقی، مجتبی، آلبومهای پژوهشی کانی موسیقی شمال خراسان، مؤسسه کرمانج قوچان، ۸۳-۱۳۸۲.
- قیطاقی، مجتبی، مجله ماهنامه بین المللی هنر، مقاله نوای جاودانه بخشی، ۱۳۹۳، مشهد.
- قیطاقی، مجتبی، مجله ماهنامه بین المللی هنر، مقاله نوای دل، ۱۳۹۴، مشهد، مسعودیه، محمد تقی، موسیقی تربت جام، ۱۳۵۹، انتشارات سروش، تهران.
- مسعودیه، محمد تقی، سازهای ایران، ۱۳۸۴، انتشارات زرین و سیمین، تهران.
- درویشی، محمدرضا، بهمن، بوستان، هفت اورنگ، ۱۳۷۳، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- درویشی، محمدرضا، آئینه و آواز، ۱۳۷۶، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- درویشی، محمدرضا، از میان سرودها و سکوت، ها، ۱۳۸۰، موسسه فرهنگی هنری ماهور، تهران.
- درویشی، محمدرضا، دایره المعارف سازهای ایران، جلد اول، سازهای زهی مضرابی و آرشهای نواحی ایران، ۱۳۸۳، مؤسسه فرهنگی هنری ماهور، تهران.
- درویشی، محمدرضا، دایره المعارف سازهای ایران، جلد دوم، سازهای پوست صدا و خود صداهای ایران، ۱۳۸۴، مؤسسه فرهنگی هنری ماهور، تهران.
- درویشی، محمدرضا، ارفع، اطرای، سازشناسی ایرانی، ۱۳۸۶، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ناصر، مهدی، دوبیتی های عامیانه، بیرجندی، ۱۳۷۷، دفتر دوم شعر نگار، انتشارات محقق، مشهد.
- وجدانی، بهروز، فرهنگ جامع موسیقی ایرانی، ۱۳۸۶، انتشارات دایره و گندمان، تهران.



The music of the regions and the culture of the tribes in Khorasan province

First Author

Mohsen Miri

Department of Business Management
Motahar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Second Autho

Ghasem Anvari

Faculty member
of Motahar Institute of Higher Education

Abstract

Khorasani modal music stands prominently as one of the most distinctive musical genres in Iran, intimately intertwined with the diverse cultures and ethnicities within the Khorasan region. Given its ancient lineage and the tumultuous fluctuations within this region, the culture and civilization of Khorasan have undergone profound influences. Khorasani modal music, with its unique characteristics, serves as a hallmark of cultural and ethnic identity within this domain. Considering the wide array and dispersion of various ethnicities in Greater Khorasan, folkloric music within this area, influenced by diverse cultures, embodies distinct musical patterns for each mode, experiencing terminological and rhythmic diversity reflective of the cultural and ethnic heterogeneity. Consequently, Khorasani modal music assumes a pivotal role as one of the most significant cultural and civilizational elements, profoundly contributing to the formation and elevation of cultural and ethnic identity within Khorasan.

Keywords: Moghami Music, Khorasani Music, Folkloric Music, Khorasan Culture, Khorasan Ethnicities